

شاخص‌های اقتصادی و امنیت ملی ایران

زریر نگین‌تاجی^۱ - هومان حسینی^۲ - آذین کیانی^۳

چکیده

با پایان جنگ سرد و طرح مسایل مربوط به جهانی شدن در نظام اقتصاد سیاسی جهان، منابع نرم افزاری سیاست‌های امنیتی، با وجود تداوم اهمیت ابعاد سخت‌افزاری امنیت، جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده‌اند. در این دوران امنیت به شکل بسیط، مطرح و بیش از پیش مسائل اقتصادی و توسعه اقتصادی مبنای اقتدار دولت‌ها قرار گرفت و امنیت ملی در این راستا مفهوم‌سازی شد. یعنی امنیت علاوه بر بعد نظامی آن، در جنبه‌های اقتصادی، محیط زیستی، فرهنگی و غیره نیز تبلور یافته است. در این پژوهش سعی شده است امنیت از نگاهی موسع بررسی و جنبه‌های اقتصادی امنیت و تاثیر شاخص‌های اقتصادی بر روی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مورد بحث و بررسی قرار گیرد. به همین منظور از مکتب کپنهاک که امنیت را از جنبه‌های گوناگون مورد مطالعه قرار می‌دهد و نگاهی موسع و ایجابی به امنیت دارد، استفاده شده است.

واژگان کلیدی: شاخص‌های اقتصادی، امنیت ملی، توان ملی، مکتب کپنهاک، ایران.

z_negintaji@sbu.ac.ir

1- عضو هیأت علمی دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی.

2- دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی و عضو هیأت علمی دانشگاه Hosseini_hooman@yahoo.com

3- کارشناسی ارشد حقوق و عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور. Azin.kiani63@yahoo.com

مقدمه

امروزه مفهوم امنیت ملی دچار تغییر و دگرگونی زیادی شده و در بررسی این مفهوم سعی شده تا علاوه بر توجه به ابعاد نظامی که مورد نظر رئالیست‌ها است، موارد مانند شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و غیره مورد توجه قرار گیرد.

بری بوزان، موضوع امنیت را ذهنی و مبتنی بر تصمیم بازیگران می‌داند. (بوزان، 1378) از اصل بین‌ذهنی بودن مسئله امنیت دو نتیجه نیز می‌توان گرفت؛ نخست آنکه آستانه امنیتی دولت - ملت‌ها متفاوت از یکدیگر خواهد بود و این مهم به دیگر بازیگران متذکر می‌شود که وقتی دولت‌ها موضوعی را امنیتی می‌سازند این واقعیتی سیاسی است که نتایجی را نیز در پی خواهد داشت. دوم، اینکه دیگران چگونه در خصوص امنیتی ساختن یک موضوع می‌اندیشند و آن را ارزیابی می‌کنند، مهم است. با توجه به اینکه رویکرد کپنهاک نگاهی موسع به امنیت، متناسب با تغییر و تحولات نظام بین‌المللی داشته و آن را از زوایای گوناگون می‌نگرد و از سویی آن را امری بین‌الذهنی می‌داند، بهتر از رویکردهای دیگر روابط بین‌الملل می‌تواند به تبیین مفهوم امنیت کمک کند. اهمیت یافتن نقش اقتصاد در امنیت ملی کشورها، چه در سطح داخل به صورت همبستگی ملی و چه در سطح خارج به صورت همکاری‌های بین‌المللی و پیمان‌های جهانی، بر کاهش هزینه‌های نظامی و نگاه مثبت کشورها به همدیگر تأثیر می‌گذارد. ارتقاء شاخص‌های اقتصادی باعث افزایش سطح رفاه عمومی جامعه شده و باعث حمایت مردمی از عملکرد حاکمیت منجر می‌شود. این مطالعه از نوع مفهومی و مروری (روش اسنادی و کتابخانه‌ای) است که از طریق فیش برداری و مطالعه کتابخانه‌ای با استفاده از منابع دسته اول (گزارش‌های علمی جدید پایان نامه‌ها و مقالات علمی- پژوهشی) و منابع دست دوم (کتاب‌ها، مجموعه مقالات، دایره‌المعارف و غیره) انجام گیرد.

1- ادبیات موضوع

امنیت ملی برای هر دولت - ملتی از اهمیت خاصی برخوردار بوده، چرا که دستیابی به هر هدف ملی و بین‌المللی همانند توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اقتدار، ثبات و مشروعیت و غیره

وابسته به حصول امنیت ملی است. (ساعی و همکاران، 1389) اگرچه بسیاری از اندیشمندان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل مفهوم امنیت ملی را به‌طور شفاف غیرقابل تعریف دانسته‌اند، اما به‌طور کلی، امنیت ملی را می‌توان ابزاری برای رسیدن به اهدافی همچون منافع ملی تلقی کرد. همچنین عده‌ای امنیت ملی را مفهومی مطلق می‌دانند و آن را هدفی دست‌یافتنی تلقی می‌کنند. مهم‌ترین اهدافی که در این خصوص بیان می‌شوند عبارتند از: حفظ استقلال و تمامیت ارضی؛ تحقق رفاه مردم و ثبات سیاسی کشور؛ حفظ و اشاعه ارزش‌های ملی و اعتقادی و فراهم کردن امکان فراغت خاطر نسبت به تهدیدهای اجتماعی (ربیعی، 1387).

برژینسکی تعریفی از امنیت ملی ارائه می‌دهد که در آن می‌توان تداخل ابعاد توسعه و امنیت ملی را ملاحظه کرد. وی می‌گوید: «منظور من از امنیت ملی، معنی محدود آن، یعنی امنیت نظامی صرف نیست، گرچه قدرت نظامی یکی از ابعاد مهم رقابت تاریخی آمریکا و شوروی است. معتقدم امنیت نظامی یکی از ابعاد مهم رقابت تاریخی آمریکا و شوروی است، در عوض معتقدم که امنیت ملی ملاحظات بیشتری را در بر می‌گیرد. از جمله زمامداری سیاسی، قدرت اقتصادی، نوآوری فناورانه، حیات ایدئولوژیک و غیره. تلاش برای نیل به امنیت ملی بدون عنایت به چنین ملاحظاتی چندان مؤثر نخواهد بود و احتمالاً به شکست می‌انجامد» (ربیعی، 1387).

مک‌نامارا معتقد است امنیت در گرو فکر انسان و در سایه توسعه عملی است. جامعه‌ای که گرفتار بحران هویت و به تبع آن مشارکت است، نمی‌تواند به توسعه دست یابد و از اقتدار ملی و امنیت بالایی برخوردار باشد (روحانی، 1387). بنابراین مفهوم امنیت ملی را باید با در نظر گرفتن این تحولات مورد بررسی قرار داد که در ادامه به بررسی مبانی نظری امنیت ملی و ارتباط متغیرهای اقتصادی با آن پرداخته می‌شود.

2- مبانی نظری: در آمدی بر رابطه امنیت و متغیرهای اقتصاد

در آغاز دهه 1990، برخی متخصصین حوزه امنیت معتقد بودند که دنیا در حال ورود به عصری است که در آن اهمیت و جایگاه شاخص‌های اقتصادی در مفهوم امنیت به‌طور فزاینده‌ای بر

ابعاد سنتی سیاسی و نظامی آن غالب می‌شود. بخش اعظم مسائل سیاسی هر کشور بر اساس رفاه و رونق اقتصادی بوده و جستجوی رفاه ملی همراه با برداشت‌های سنتی از امنیت، یکی از مسائل سیاست عالی یا دیپلماسی در بالاترین سطح آن است (تری تیف، 1383). یکی از عوامل عمده تحول مفهوم امنیت از امنیت نظامی به امنیت اقتصادی، دگرگونی در نظام بین‌الملل است. در حالی که بعد از جنگ جهانی دوم و در دوران جنگ سرد، ساختار نظام بین‌الملل بر تقسیم قدرت استوار بود، این مبنای ساختاری پس از فروپاشی اتحاد شوروی دستخوش دگرگونی بنیادین شد. به طور کلی، کاهش اهمیت قدرت نظامی نسبت به قبل در تعیین جایگاه کشور در نظام بین‌الملل، تاثیر بنیادین بر مفهوم امنیت ملی گذاشته و باعث شده، شاهد اشکال متفاوتی از امنیت باشیم که علاوه بر بعد نظامی، در برگزیده جنبه‌های اقتصادی، محیط زیستی، فرهنگی و غیره نیز باشد (رابرت ماندل، 1379).

بر اساس رویکرد مکتب کپنهاک، تعریف امنیت با تحول در ساختار نظام بین‌الملل، از حالت سخت‌افزاری به حالت نرم‌افزاری تبدیل شده است. این مکتب بیشتر از منظر حقوق بین‌الملل و وابستگی متقابل، تهدیدهای امنیت را در سه سطح جهانی، منطقه‌ای و داخلی بررسی می‌نماید و ماهیتی ترکیبی برای تهدیدها قائل است (ربیعی، 1387). مکتب کپنهاک رهیافتی است که در راستای پایه‌گذاری جایگاهی مستقل برای مطالعات امنیتی، تلاش داشته تا امنیت را از جنبه‌های گوناگون مورد مطالعه قرار دهد، اما در برخی جنبه‌ها بیشتر تمرکز کرده و بعضاً مبتکر و طراح آن نیز بوده است (عبداله‌خانی، 1382).

افکار کسانی که رویکرد ناظر بر قدرت را ترجیح می‌دهند، مبتنی بر مکتب واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل بوده است. اما کسانی که به رویکرد مبتنی بر صلح علاقه‌مندند، کم و بیش به آرای مکتب آرمان‌خواهان تکیه دارند. آرمان‌خواهان استدلال می‌کنند که برداشت آنها در مقایسه با دیدگاه پراکنده واقع‌گرایان، به ملاحظه جامع و کلی مسئله منجر شده و در عین حال توجه آنها به طور مستقیم روی مسئله بنیادین جنگ متمرکز می‌شود. به نظر واقع‌گرایان، از آنجا که جنگ مهم‌ترین تهدید ناشی از مسئله امنیت ملی است، یافتن راه حلی بنیادین برای آن، موجب حذف مسئله از صحنه بین‌المللی می‌شود.

تا دهه 1980، این دو نحوه برداشت بر همه تفکرات مربوط به مسئله امنیت ملی حاکم

بود. در این فضا چارچوب‌ها و محدوده‌های مفهوم امنیت ملی، برای امنیت مورد نیاز کافی و پاسخگو نبود. با توجه به این فضا، دیدگاه‌هایی در میان اندیشمندان شکل گرفت که با دیدگاه‌های سابق از مفهوم امنیت متفاوت بود. مجموعه این تحولات باعث می‌شود تا در گفتمان مدرن به جای «سلبی‌نگری» درباره امنیت، بیشتر به بعد ایجابی و «تاسیسی» آن پرداخته شود. در واقع، نگاه مدرن به امنیت، نگاهی چند سویه است که بر اساس آن، چه در سطح عوامل امنیت‌زا و چه در سطح عوامل امنیت‌زدا، موضوعات متنوعی تأثیرگذارند (ولی‌پور زرومی، 1383).

در بعد داخلی، امنیت ملی که متکی بر قانون‌گرایی است، نگرش‌ها بیش از پیش معطوف به قوانین اقتصادی است و تأمین امنیت ملی در گرو بهبود وضعیت اقتصادی تلقی می‌شود. از این رو، مالکیت خصوصی بیشتر مورد توجه قرار گرفته و به این ترتیب، مفهوم دولت و جایگاه آن در تأمین امنیت ملی دستخوش تحول شده است. امروزه در عصر جهانی‌شدن اقتصادها، اتحادها، ائتلاف‌ها، دوستی‌ها و دشمنی‌ها، با معیارهای اقتصادی معنا می‌یابد. با وجود رقابت بر سر منافع در بطن مسایل اقتصادی، اقتصاد به عنوان یک اهرم امنیت بین‌الملل، از چیرگی و نقشی بی‌بدیل برخوردار شده است. برای نمونه، اتحادیه اروپا، امضای هر موافقتنامه تجاری اقتصادی را موکول به توافقات ایدئولوژیک بر سر موضوعات مربوط به حقوق بشر، سلاح و موارد مشابه می‌نماید. (ربیعی، 1387)

کشورهای توسعه‌نیافته یا درحال توسعه، برای تداوم حیات سیاسی و جلوگیری از مشکلات داخلی، نیازمند سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی موسسات اقتصادی بین‌المللی جهت انجام طرح‌های اقتصادی و اشتغال‌زایی هستند. بدهی‌های ناشی از این وام‌ها، متضمن مداخله هرچه عمیق‌تر موسسات بین‌المللی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در اقتصاد کشورهای در حال توسعه است. تأثیر بالفعل و بالقوه این ملاحظات بر کشورهای در حال توسعه، می‌تواند خود را به شکل وارد آمدن لطمه‌ای جدی به امنیت فعلی و بلندمدت نشان دهد. از طرف دیگر، وارد شدن به ائتلاف‌ها و اتحادهای بین‌المللی با اهداف اقتصادی و توسعه‌ای می‌تواند از مسائل تنش‌زای سیاسی و امنیتی در روابط بین کشورها بکاهد.

هر چند که هیچ کشوری با درون‌گرایی و اتخاذ سیاست‌های انزواگرایانه به توسعه دست نیافته، اما این یک روی سکه بوده و باید به تبعات امنیتی اتخاذ این سیاست‌ها نیز توجه کرد.

ملاحظه می‌شود که نبود تعامل مثبت با سایر کشورها، باعث عقب ماندگی اقتصادی، توسعه نیافتگی و نبود اشتغال به واسطه همکاری نداشتن با اقتصاد جهانی می‌شود و این منتج به تضعیف امنیت ملی در داخل و افزایش هزینه‌های نظامی و تهدیدهای خارجی خواهد شد. بنابراین، جهانی شدن اقتصاد و تعامل اقتصادی با سایر کشورها، بر امنیت ملی کشورها تأثیرگذار بوده و تأثیرات آن به چگونگی بهرمندی کشورها از این فرایند بستگی دارد.

3- شاخص‌های اقتصادی مؤثر در ارتقای امنیت ملی

در این بخش به برخی از مهمترین شاخص‌های مؤثر که در افزایش توان ملی مؤثر بوده و در نهایت بطور مستقیم و یا غیر مستقیم به بر امنیت ملی مؤثر هستند، پرداخته می‌شود.

1- درآمد ملی: درآمد ملی وسیله مؤثری برای اندازه‌گیری فعالیت اقتصادی یک جامعه و سنجش درجه رفاه اقتصادی مردم بوده و از این‌رو درآمد ملی را می‌توان به عنوان نماینده میزان رشد، توسعه و تا حدودی رفاه اقتصادی یک جامعه دانست (تفضلی، 1380). افزایش درآمد ملی به معنی افزایش درآمد سرانه کشور و یا به عبارتی دیگر، کاهش مشکلات و معضلات اجتماعی بوده که این به مشروعیت بیشتر دولت در نزد آحاد جامعه کمک کرده و در نتیجه به ایجاد یک فضای امن و توأم با آرامش در جامعه می‌انجامد که این به معنی بالا رفتن امنیت ملی در بعد داخلی است. همچنین افزایش درآمد ملی به معنی افزایش توان اقتصادی در سطح منطقه و بین‌الملل بوده که این به معنی افزایش توان تأثیرگذاری بر معادلات منطقه‌ای و جهانی که این خود نیز تقویت‌کننده سطح و میزان امنیت ملی است. از طرفی دیگر، هر چه درآمد ملی یک کشور بیشتر باشد، توانایی آن کشور در افزایش بودجه نظامی بیشتر شده و این عاملی بازدارنده در برابر حملات احتمالی سایر رقبا به کشور مزبور است.

2- بیکاری: بی‌گمان یکی از بزرگترین و فراگیرترین مشکل اقتصادی جوامع در حال حاضر بیکاری است. بیکاری علاوه بر اینکه قطع درآمد گروه بیکاران را به دنبال داشته، دارای تبعات اجتماعی مهمی نیز هست که می‌تواند عامل تقویت و یا منشا مفاسد اجتماعی بزرگی باشد و این خود به طور غیرمستقیم بر امنیت ملی کشور تأثیر گذار است (اخوی، 1371). در نظریه

پارسنز، یکی از عوامل عمده افزایش ناهنجاریها که محل امنیت جامعه است، بیکاری بوده و نرخ افزایش آن، باعث بیشتر شدن عدم امنیت شغلی و اطمینان از تامین مخارج زندگی است که این باعث بروز اشکالات گسترده‌ای در جامعه می‌شود (نبوی و همکاران، 1389). فرد بیکار حتی اگر پابندی زیادی به اصول اخلاقی و انسانی هم داشته باشد، پس از مدتی استحال شده و اینجاست که دیگر برای او ارزش‌ها معنا و مفهوم واقعی خود را از دست می‌دهند و حتی ممکن است به ضد ارزش بدل شوند. تهدید شدن ارزش‌های یک جامعه در واقع نقطه شروع به چالش کشیده شدن امنیت ملی است (رحیمی، 1385).

3- تورم: تورم اثرات تعیین‌کننده‌ای بر توسعه، تولید و تجارت داشته و می‌تواند توسعه اقتصادی را با خطر جدی مواجه سازد. آثار زیانبار تورم تنها به کاهش قدرت رقابت تولیدات ملی در بازارهای داخلی و جهانی، کاهش صادرات و افزایش واردات و کسری بیشتر موازنه تجاری محدود نمی‌گردد، بلکه تورم دارای آثار منفی غیرقابل برگشتی بر تخصیص منابع و عوامل تولید دارد (اخوی، 1371). پیشبرد اهداف اقتصادی و افزایش رشد تولید نیازمند کنترل تورم است و از همین روست که به صورت ویژه، کاهش منطقی آن در برنامه‌های اقتصادی مورد توجه قرار می‌گیرد. کاهش تورم نه تنها بر رشد و تولید تاثیرگذار بوده، که بر میزان رضایتمندی عمومی هم بسیار موثر است. هر چه سطح قیمت‌ها پایین‌تر باشد، قدرت خرید جامعه بالاتر و به عبارتی دیگر میزان رفاه جامعه نیز بالاتر خواهد بود که این به تقویت بیشتر امنیت ملی کمک می‌کند.

4- بررسی مهمترین متغیرهای اقتصاد ایران

تولید ملی ایران طی دوره 90-1357، با وجود رونق و رکودهای ایجاد شده با یک نرخ ملایم رشد داشته است. در برخی از سال‌ها رشد اقتصاد قابل ملاحظه و در برخی سال‌ها این نرخ رشد کاهش پیدا کرده است. آمارها و اصلاحات اقتصاد ایران نشان می‌دهد که رابطه بسیار نزدیکی بین تولید ملی و بیکاری در هر اقتصادی از جمله اقتصاد ایران طی دوره 85-1375 وجود دارد. سال‌هایی که تولید ملی دچار رکود شده و شکاف تولیدی عمیق‌تر شده (فاصله تولید واقعی از تولید بالقوه زیادتر شده)، نرخ بیکاری افزایش چشمگیری داشته است.

جداول (1) وضعیت نرخ تورم و بیکاری ایران در مقایسه با سایر کشورهای منطقه را نشان می‌دهد. نرخ تورم ایران در مقایسه با سایر کشورهای همسایه و منطقه بالا است. داده‌ها نشان می‌دهد که نرخ تورم در یک دوره 5 ساله در کشور ترکیه از 55 درصد به 8 درصد کاهش پیدا کرده است. کاهش نرخ تورم و بیکاری و همچنین رشد اقتصادی مناسب طی سال‌های اخیر باعث شده تا ترکیه به یک بازیگر قدرتمند در صحنه منطقه و حتی بین‌المللی تبدیل شود.

جدول 1- مقایسه نرخ تورم و بیکاری ایران با چند کشور منطقه (درصد)

شاخص	2000		2001		2002		2003		2004		2005	
	تور	بیکار	تور	بیکار	تور	بیکار	تور	بیکار	تور	بیکار	تور	بیکار
ایران	14	14	11	14	14	13	16	12	15	13	-	-
عربس	-1	5	-1	5	0	5	1	-	0	1	-	-
ترکیه	56	7	54	8	45	10	25	11	9	8	10	10
پاکستا	4	7	3	-	3	8	3	-	7	8	9	-
مصر	3	9	2	9	3	10	5	11	11	5	-	-

منبع: world development indicator , 2007

مقایسه وضعیت شاخص‌های کلان اقتصادی ایران با سایر کشورهای عضو منا (MENA) در جدول زیر نشان می‌دهد، با وجود آنکه وضعیت شاخص‌های اقتصادی ایران در سال 2006 مناسب‌تر از وضعیت امروزه نیز بوده، در مقایسه با سایر کشورها از رتبه و جایگاه مناسبی برخوردار نبوده است. داشتن چنین پارامترهای اقتصادی، در بلندمدت می‌تواند برای جایگاه ما در سطح منطقه مشکلاتی را ایجاد نماید.

جدول 2- مقایسه شاخص‌های کلان اقتصادی

(درصد، تولید اسمی بر حسب میلیارد دلار)

کشور	رشد اقتصادی	رشد تولید	تولید اسمی	نرخ تورم	نرخ بیکاری
الجزایر	1.4	0.2	112	2.2	15.3
اردن	6.3	3.9	14	6.1	14.8
امان	6.2	3.4	219	11.9	11.2
مراکش	7.3	6.3	57	3.1	11.0
یمن	3.9	0.8	17	15.7	10.2
مصر	6.9	4.4	107	7.7	8.3

7.0	2.2	369	2.9	5.8	عدسستان
3.0	6.0	177	3.3	10.7	امارات
2.1	7.0	47	9.7	12.1	قطر
1.9	3.4	16	4.9	7.0	بحرین
-	6.0	28	2.7	5.1	سعودیه

منبع: گزارش بانک جهانی، سال 2007.

آمارهای مربوط به بخش تجارت خارجی نشان می‌دهد که بیش از 70 درصد کل صادرات ایران را نفت و مواد نفتی تشکیل می‌دهد تشکیل می‌دهد. در این اقتصاد، درآمدهای نفتی با تأمین منابع ارزی دولت، ضرورت صادرات کالاها و خدمات به خارج از کشور را کم اهمیت می‌نماید. این باعث شده که تولید کالاهای داخل تنها در یک فضای غیر رقابتی انجام گرفته و جهت‌گیرها تولید کالاها بیشتر داخلی بوده، که نتیجه آن از دست دادن توان رقابت در بازارهای جهانی است. با وضعیت موجود، هرگونه دگرگونی در بازارهای نفت جهان می‌تواند بر پارامترهای اقتصاد ایران تاثیر گذاشته و این می‌تواند یک عامل تهدید باشد.

نتیجه گیری

در این مقاله سعی شده که موضوع امنیت و عوامل اقتصادی موثر مورد بررسی قرار گیرد. فروپاشی بلوک شرق، رشد سریع تجارت بین الملل و گسترش ارتباطات جهانی سبب شد که اقتصاد در محور مباحث مربوط به امنیت ملی قرار گیرد و نقش جدیدی برای آن تصور شود. از این رو توجه به نقش متغیرهای کلان اقتصادی مانند تولید ملی، نرخ تورم، میزان بیکاری در امنیت ملی از اهمیت بالایی برخوردار است. مقایسه متغیرهای اقتصادی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور قدرتمند منطقه‌ای با سایر کشورهای منطقه نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران برای حفظ و همچنین ارتقاء جایگاه خود می‌بایست به متغیرهای اقتصادی توجه بیشتری نشان دهد که در این راستا، راهکارهای زیر توصیه می‌شود: تنوع بخشی صادرات، هماهنگی بیشتر «دولت - بازار»، توزیع عادلانه درآمدها و کاهش فاصله طبقاتی.

منابع

اخوی، احمد. (1371)، اقتصاد کلان کاربردی، انتشارات: موسسه مطالعات و پژوهش‌های

بازرگانی، تهران.

بری بوزان. مردم. (1378)، «دولت‌ها هراس، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

تری تیف، استیوارت، لوسی جیمز و پاتریک مورگان. (1383) مطالعات امنیتی نوین، مترجمان:

علیرضا طیب و وحید بزرگی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

تفضلی، فریدون. (1380)، «اقتصاد کلان نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصادی، نشر نی، تهران.

رابرت ماندل. (1379)، چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران:

مطالعات راهبردی.

ربیعی، علی. (1387)، «مطالعات امنیت ملی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

رحیمی، حسین. (1379)، «بحران بیکاری و امنیت ملی در ایران دهه 80»، اطلاعات سیاسی -

اقتصادی، شماره 159 - 160.

ساعی، احمد و مجید معصومی. (1390)، «تاثیر تروریسم بر امنیت جمهوری اسلامی ایران،

فصلنامه سیاست، شماره 2.

عبداله‌خانی، علی. (1382)، «نظریه‌های امنیت مقدمه‌ای بر طرح ریزی دکترین امنیت ملی»، تهران:

موسسه فرهنگی ابرار معاصر تهران.

کازرونی، سید علی رضا. (1382)، «نقش سرمایه‌گذاری مستقیم در جهانی شدن اقتصاد»،

اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره 195-196.

نوربخش، فرهاد. (1383)، «رابطه سرمایه‌انسانی با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای

در حال توسعه: شواهد تجربی، فصلنامه اقتصاد سیاسی، سال دوم، شماره 6.

ولی‌پورزرومی، سیدحسین. (1383)، «گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، تهران:

انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.